

یادها و خاطره ها

✖ مسعود بهنود

یادم نمی‌آید اولین باری که سیاوش آواز ایران، شجریان، را دیدم کی بود؟ ولی تصور می‌کنم که شبی بود در منزل مهندس روحانی که دو نفر از اساتید بزرگ ساز ایران از اصفهان آمده و آنجا بودند؛ آقای کسایی و در عین حال آقای مجد هم در آنجا بودند. فکر می‌کنم برای اولین بار به جوانی تقریباً هم سن و سال خودم برخوردیم که با آنها آواز خواند ولی آنچه برای من مهم بود آوازش نبود؛ من آنقدر متخصص آواز سنتی ایران نیستم که بدانم او چقدر درست می‌خواند. آوازش شیرین بود، مانوس بود، دلچسب بود ولی نمی‌دانستم ارزشش چقدر است. وقتی که با بنان مصاحبه می‌کردم از او پرسیدم: «شما آواز کسی به اسم سیاوش را شنیده اید؟» گفتند: «بله». گفتم: «نظرتان چیست؟» گفت: «اگر یک کسی از آواز ایران بعد از من باقی بماند همین است!» بعدها من این سوال را از آقای برومند هم پرسیدم؛ چرا؟ چون در جشن هنر شیراز او را که در آن زمان اسمش سیاوش و مدتی هم سیاوش بیدگانی بود و ما به نام شجریان او را نمی‌شناختیم و معرفی نشده بود، دیده و شنیده بودم و آرام آرام پی برده بودیم.

از همه این سال‌ها به بعد، یعنی حدود چهل و اندی سال، در فرصت‌های مختلف آقای شجریان را دیدم و تقریباً می‌شود گفت هر روزی شنیدم. می‌توانم شهادت بدهم که آنچه که بسیار مهم است این است که او از اولین روزی که در صحنه ظاهر و دیده شد، پیدا بود که یک کس دیگری است. به قول آقای برومند «اگر چیزی که عوام، مطرب می‌گویند ما بوده باشیم، این شخص نیست». در حقیقت شباهتی به هیچ کدام از کسانی دیگر که در این عالم دیده بودیم، نداشت. اولاً بسیار چیز می‌خواند و جستجوگر بود و پیگیری استثنایی داشت؛ ثانیاً سلامت نفس غریبی داشت. سال‌ها بود که به دنبال پیدا کردن یک گوشه‌ای، یک صدایی بود و وقتی چیزی به او خبر داده می‌شد، راه می‌افتاد و میرفت. یکی از قول‌هایی که از مردی در حوالی اصفهان شنیدم، این بود که می‌گفت یک موقعی یک کسی آمد و از کجا فهمیده بود که من اینقدر خوش اشتها (شکمو) هستم؛ چون وارد که شد گفت استاد اجازه می‌دهید بیایم منزل شما کباب درست کنیم؟ من گفتم حیاط ما کوچک است و کباب عیبی ندارد و بعد با چند نفر از دوستانش آمد. گوشت آورده بودند، کباب درست کردند و این بهانه بود برای اینکه من را بنشانند و من بخوانم و بعضی از گوشه‌های ناشنیده را بشنوند. بعدها

دکتر علومی هم همین حرف را راجع به ایشان زد. این که الان یک سالی است که مردم ایران وقتی صدای شجریان را می‌شنوند، این همه بی‌تابِ او هستند و به هر مناسبتی بهانه می‌گیرند از ربنا و چیزهای دیگر، بیهوده نیست؛ شجریان، موجود یکتایی در موسیقی ایران است که در تاریخ موسیقی سنتی ایران هم کسی با این شهرت شخصی و شخصیتی به چشم نمی‌آید.